فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال هفتم، شماره سوم (پیاپی ۲۵)، پاییز ۱۳۹۷
شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X- ۲۵۸۸
http://serd.khu.ac.ir
صفحات ۱۸۲-۱۶۵

تحلیل ساختار تولید و توزیع درآمد در سکونتگاه‌های روستایی ایران

سیاوش جانی*: استادیار گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۰۲ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۴/۳۱

چکیده

با عنایت به اهمیت توزیع مناسب درآمد در بخش روستایی کشور، در این مطالعه رابطه تخصیص منابع بین بخش های اصلی اقتصاد (کشاورزی، صنعت و خدمات) و توزیع درآمد روستایی در ایران به تفکیک استانهای محروم، برخوردار و نیمه برخوردار طی دوره (۱۳۹۳-۱۳۸۶) در قالب داده‌های پانلی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از برآورد الگو برای مناطق نیمه برخوردار نشان داد که انتقال سهم ارزش افزوده خدمات به بخش کشاورزی و صنعت و همچنین انتقال سهم ارزش افزوده بخش صنعت به بخش کشاورزی موجب کاهش نابرابری درآمد روستایی و انتقال سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی و صنعت به خدمات موجب افزایش نابرابری درآمد روستایی است. این در حالی است که نتایج الگو در مناطق محروم و برخوردار حاکی از آن بود که تغییر در سهم ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی استان ها بر نابرابری درآمد روستایی مناطق مذکور تأثیر معنی‌داری ندارد. بررسی نتایج دلالت بر آن داشت که افزایش سهم بخش کشاورزی در مناطق نیمه برخوردار موجب کاهش نابرابری روستایی است. همچنین تأکید بر افزایش سهم بخش کشاورزی در مناطق محروم در صورتی به کاهش نابرابری درآمد روستایی منجر می‌شود که برخورداری این مناطق از امکانات افزایش یابد و در نهایت نتایج حاکی از آن بود که در مناطق برخوردار، تأکید بر افزایش سهم بخش کشاورزی موجب کاهش نابرابری درآمد روستایی نمی شود.

واژگان کلیدی: اقتصاد روستایی، توزیع درآمد روستایی، تخصیص منابع، روستاهای ایران.

* s.jani@pnu.ac.ir

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-27]

۱) مقدمه

در مباحث اقتصادی، تخصیص بهینه منابع و توزیع عادلانه درآمد از وظایف دولت‌ها محسوب می‌شود که از دیدگاه برخی مکاتب از جمله کلاسیک ها تحقق همزمان آنها امکان پذیر نمی باشد. از این رو برخی از محققین به منظورتحقق همزمان دو هدف توزیع عادلانه درآمد و رشد اقتصادی، با تاکید بر چگونگی رشد اقتصادی سعی نموده اند فرآیندی از رشد اقتصادی را که منجر به بهبود در توزیع درآمد می شود، معرفی نمایند. یکی از راهکارها در این زمینه نگاه بخشی به رشد اقتصادی بود. نتایج غالب مطالعات در این خصوص از جمله بررسی صورت گرفته توسط پرمه و دباغ(۱۳۸۲)، مهرگان و همکاران(۱۳۸۷)، ابونوری و فراحتی(۱۳۹۵) و دستیدار[1](۲۰۱۲) نشان می‌دهد هرچه سهم بخش کشاورزی افزایش یابد توزیع درآمد کل جامعه متعادل‌تر می‌شود که مطابق با نظریه کوزنتس است. یافته های این مطالعات با عنایت به اینکه در دنیا و به خصوص کشورهای در حال توسعه واژه «فقر» با واژگان«روستا» و« کشاورزی» قرابت زیادی دارد، این سوال را مطرح می کند که آیا افزایش سهم بخش کشاورزی که براساس مطالعات مذکور موجب بهبود توزیع درآمد کل جامعه می‌شود، منجر به بهبود توزیع درآمد روستایی نیز می شود؟ آیا با انتقال منابع از بخش خدمات یا صنعت به بخش کشاورزی، نابرابری درآمد روستایی کاهش می‌یابد؟ بررسی توزیع درآمد روستایی علاوه بر موارد فوق از آن جهت نیز حائز اهمیت است که نتایج برخی بررسی ها از جمله مطالعه مومنی و همکاران (۱۳۹۶) نشان می دهند جایگاه بخش کشاورزی در ایران فراتر از تامین امنیت غذایی بوده و در واقع بخش کشاورزی برقرارکننده تعادل‌های اقتصادی – اجتماعی در کشور است.

در این میان برخی محققین از جمله کالدرون و چانگ[2](۲۰۰۴) و وارلیومندوزا[3](۲۰۱۷) نشان می‌دهند که به منظور تحقق رشد اقتصادی توام با توزیع عادلانه درآمد لازم است مناطق محروم از امکانات زیر بنایی برخوردار گردند. در این مطالعات نشان داده شده است که ایجاد زیر بناها با افزایش میزان دسترسی مناطق محروم به فعالیت اصلی اقتصاد و در اختیار قرار دادن فرصت های کسب درآمد برای افراد فقیر، درآمد افراد مناطق محروم را افزایش داده و موجب کاهش شکاف درآمدی می شوند.

با عنایت به مراتب فوق در این مطالعه رابطه تخصیص منابع بین بخش های مختلف اقتصاد و توزیع درآمد روستایی در ایران به تفکیک استان های محروم و برخوردار از امکانات مورد بررسی قرار می‌گیرد. هدف از انجام این کار بررسی نحوه تخصیص منابع بین بخشهای مختلف اقتصادی در گروه‌های مختلف از استانهای کشور به منظور کاهش نابرابری درآمد روستایی است.

[1] Dastidar
[2] Calderon and Chong
[3] Valerio Mendoza

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-27]

به منظور انجام این بررسی در بخش بعدی ادبیات موضوع مطرح می‌شود. در بخش سوم با معرفی رویکرد تحقیق، الگویی برای بررسی رابطه تخصیص منابع بین بخشهای مختلف اقتصاد و توزیع درآمد روستایی ارائه می‌شود. در بخش پنجم با بررسی برخورداری استانها از امکانات زیربنایی و برآورد الگو، رابطه مورد بررسی برای مناطق مختلف تبیین و در نهایت بخش جمع بندی ارائه می‌شود.

۲) مبانی نظری

در مباحث نظری ادبیات موضوع رشد و توزیع درآمد به ادبیات قدیم و جدید تقسیم می‌شود. دیدگاه قدیم، دیدگاه مسلط بر اقتصاد توسعه در سراسر دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بود و در آن تأثیر رشد بر نابرابری مورد بررسی قرار می‌گیرد. از محققین برجسته که در این زمینه تلاش نمودند می‌توان به کوزنتس[۱](۱۹۵۵)، اهلووالیا[۲](۱۹۷۶)، رام[۳](۱۹۸۸) و آناند و کانبور[۴](۱۹۹۳) اشاره نمود. این در حالی است که در ادبیات جدید رشد و توزیع درآمد، تأثیر توزیع درآمد بر رشد اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد. محققین ادبیات جدید السینا و پرتی [۵](۱۹۹۶)، پرسون و تابلینی[۶](۱۹۹۴) می باشند. در این دیدگاه ساز و کارهای مختلف تاثیر نابرابری توزیع درآمد بر رشد اقتصادی مورد تاکید است.

در دیدگاه قدیم اولویت با رشد اقتصادی است و انباشت سرمایه کلید رشد اقتصادی است. براساس این دیدگاه. به منظور ترویج نرخ‌های بالای انباشت سرمایه، در شرایطی که جریان سرمایه خارجی قابل توجه نباشد، یک کشور باید منابع لازم را از طریق نرخ‌های بالای پس‌انداز داخلی ایجاد کند. با این فرض که ثروتمندان میل به پس‌انداز بالاتری نسبت به فقرا دارند، تصور بر این بود که نابرابری درآمد به رشد بالا منجر می‌شود و از حاصل رشد، فقرا نیز منتفع می‌شوند. در این خصوص کوزنتس[۷](۱۹۵۵) با بررسی تاثیر رشد اقتصادی بر توزیع درآمد در طول زمان نقطه عطفی را در ادبیات قدیم ایجاد نمود. وی نشان داد که در مراحل اولیه توسعه، رشد اقتصادی موجب نابرابری است اما در مراحل بعدی توسعه، رشد اقتصادی منجر به برابری درآمدها می شود. کوزنتس، توسعه اقتصادی را به عنوان فرآیندگذار از اقتصاد سنتی یا روستایی به اقتصاد نوین یا شهری مطرح می‌کند و نتیجه می‌گیرد که در مراحل اولیه توسعه، توزیع درآمد نابرابر می‌گردد، زیرا شمار کمی از مردم این توانایی را دارند که به بخش نوین یا مدرن منتقل شوند، به همین دلیل، اختلاف سطح دستمزد بین بخش سنتی و نوین زیاد است. در مراحل بعدی توسعه، توزیع درآمد رو به بهبود می گذارد، زیرا شمار بیش‌تری از مردم، جذب بخش نوین می‌شوند و به تدریج، به دلیل کم‌یابی نیروی کار در بخش سنتی،

[1]- Kuznets
[2]- Ahluwalia
[3] - Ram
[4] - Anand & Kanbur
[5] - Alesina & Rodrick
[6] - Person & Tablini
[7]- Kuznets

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-27]

سطح دستمزد در بخش سنتی هم افزایش می‌یابد و به سطح دستمزد بخش نوین نزدیک می‌شود براساس نظریه کوزنتس نابرابری در بخش روستایی پایین و در بخش شهری بالاست و توسعه بخش کشاورزی موجب کاهش نابرابری است(ابونوری و فراهتی،۱۳۹۵:۴).

مطالعات زیادی نظریه کوزنتس را در کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته موردبررسی قرار داده‌اند. برخی از این مطالعات به ترکیب ارزش افزوده بین بخش‌های اقتصاد و تأثیر آن بر نابرابری پرداخته و فرضیه کوزنتس را در این خصوص تائید نمودند که از آن جمله می توان به مطالعه دستیدار[1](۲۰۱۲) و کایا[2](۲۰۱۲) و ابونوری و فراهتی(۱۳۹۵) اشاره نمود. در این مطالعات نشان داده شده است که توسعه بخش کشاورزی منجر به کاهش نابرابری در جامعه شده است.

اما باگسترش توسعه اقتصادی در سراسر دنیا طی نیمه دوم قرن بیستم، آشکار شد که تجربه‌های زیادی از توسعه موفق برای مثال ببرهای آسیایی[3] وجود دارند که به نرخ‌های رشد اقتصادی قابل توجه دست یافته‌اند، بدون اینکه درجات بالایی از نابرابری درآمدی در آنها مشاهده گردد، همچنین بسیاری از کشورها مانند کشورهای آمریکای لاتین به رغم نابرابری بسیار بالا، سابقه رشد اقتصادی ضعیفی داشته‌اند. بنابراین اقتصاددانان متعددی به آثار منفی بالقوه نابرابری بر رشد انتقاد کرده‌اند (ایده‌ای که پیش از این توسط میردال[4] (۱۹۷۳) رواج یافت). در این خصوص ایون و همکاران[5](۱۹۹۹) نتیجه گرفتند که دیدگاه قدیم به رشد آسیب می‌زند و با نتایج تجربی مغایر است. براساس مطالعات انجام یافته برخی از سازو کارهای مهم که از طریق آنها نابرابری بر رشد اقتصادی موثر است عبارتند از:

- افزایش نابرابری موجب بی ثباتی اجتماعی و سیاسی شده، حقوق مالکیت را تضعیف نموده و نااطمینانی اقتصادی را به دنبال دارد که در مجموع سبب کاهش سرمایه گذاری و رشد اقتصادی می‌گردد(Alesina and Perotti,1996).
- افزایش نابرابری در اقتصادی که بازار سرمایه آن ناقص است موجب کاهش توانایی و انگیزه افراد برای سرمایه گذاری می شود.(Galor and Zeira,1993)
- بارو [6](۲۰۰۰) و ارهارت[1](۲۰۰۹) با اشاره به رابطه بین نابرابری توزیع درآمد و میزان باروری بیان می کنند افزایش نابرابری موجب افزایش موالید و در نتیجه کاهش سطح آموزش شده و در نهایت موجب کاهش رشد اقتصادی می گردد.

[1] Dastidar
[2] Kahya
[3]. چهار ببر آسیایی یا اژدهاهای آسیایی لفظی ست که برای اشاره به اقتصادهای بسیار توسعه یافته اقتصاد هنگ کنگ، اقتصاد کره جنوبی، اقتصاد سنگاپور و اقتصاد تایوان به کار می‌رود.
[4] .Gunnar Myrdal
[5].Aghion et al.
[6] Baro

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-27]

- افزایش نابرابری موجب کاهش تعداد خانوارهای طبقه متوسط می‌گردد که موجب کاهش تقاضا شده و کاهش رشد اقتصادی را به همراه دارد (Murphy, Schleifer and Todaro , 1997 & Vishny,1989).

در این میان برخی محققین از جمله آلبرتوچانگ و سزار کالدرون[۲](۲۰۰۱)، استیچ، فاستر و وودن[۳](۲۰۰۲)، کالدرون و سرون [۴](۲۰۰۳) ، لوپز[۵](۲۰۰۳) و فیلشر، لی و زاهو[۶](۲۰۱۰) در بررسی‌های خود نشان دادند که بهبود در خدمات زیر بنایی می‌تواند نابرابری درآمدها را کاهش داده و رشد اقتصادی را افزایش دهد. ایده اصلی این مطالعات این است که توسعه زیر بناها علاوه بر افزایش درآمد متوسط، سطح درآمد و رفاه مردم فقیر را نیز افزایش می‌دهد. دراین خصوص وارلیومندوزا[۷] (۲۰۱۷) با تأکید بر امکانات زیر بنایی ایالات های مختلف چین معتقد است که رشد توام با توزیع عادلانه درآمد زمانی حاصل می شود که مناطق دورافتاده و محروم نیز به امکانات زیر بنایی دسترسی داشته باشند. در این مطالعات نشان داده شده است که توسعه زیر بناها ضمن کمک به رشد اقتصادی، موجب بهبود در توزیع درآمدها نیز می‌شود.

دلایل تأثیر توسعه زیر بناها بر رشد اقتصادی در بسیاری از مطالعات از جمله مطالعه اگنور و مورنو دادسن[۸](۲۰۰۶) براساس تأثیر زیر بناها بر بهره‌وری نیروی کار، سلامت، تغذیه، آموزش و همچنین تداوم سرمایه گذاری توضیح داده شده است که موجب رشد اقتصادی در مناطق محروم است. اما در خصوص تأثیر توسعه زیر بناها بر بهبود توزیع درآمد، استیچ ، فاستر و وودن بیان می کند که با توسعه زیر بناها مردم مناطق محروم به فعالیت های اصلی اقتصاد دسترسی پیدا نموده و همین امر موجب افزایش فرصت های کسب درآمد برای آنها می شود. همچنین کانون و لیو[۹](۱۹۹۷) نشان می‌دهند که توسعه زیر بناها در مناطق فقیر نشین موجب کاهش هزینه های تولید و مبادله شده و به این ترتیب درآمد مردم فقیر افزایش می یابد.

علاوه بر موارد فوق در برخی بررسی ها به این موضوع تأکید می شود که دسترسی به زیر بناها در مناطق محروم، ارزش دارایی‌های فقرا را افزایش می‌دهد. به عنوان مثال در تحقیقات اخیر ارزش دارایی مناطق کشاورزی فقیر نشین براساس فاصله آنها از بازار محصولات کشاورزی ارزیابی می شود و بنابراین اصلاح در ارتباطات و خدمات جاده‌ای، بازده زمین‌های کشاورزان فقیر را افزایش داده و موجب افزایش درآمد آنها می شود(Jacoby, 2000).

[1] Ehrhart
[2] Alberto Chong and Cesar Calderon
[3] Estache, Foster and Wodon
[4] Calderon and Serven
[5] Lopez
[6] Fleisher, Li, and Zhao
[7] Valerio Mendoza
[8] Agenor and Moreno-Dodson
[9] Gannon and Liu

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-27]

با عنایت به مراتب فوق انتظار می‌رود بررسی رابطه بین تخصیص منابع و توزیع درآمد، زمانی که مناطق مختلف، سطح برخورداری متفاوتی داشته باشند، نتایج متفاوتی را نسبت به دیدگاه قدیم ارائه نماید. مطالعات زیادی در خصوص رابطه بین توزیع درآمد و رشد اقتصادی انجام شده است اما در خصوص رابطه تخصیص منابع بین بخش‌های مختلف و توزیع درآمد روستایی و در این میان نقش برخورداری از امکانات زیربنایی مطالعات اندکی در دسترس است. از این رو در این قسمت مطالعاتی مد نظر قرار می‌گیرد. که به نقش تخصیص منابع بین بخش های مختلف بر توزیع درآمد پرداخته اند. در جدول (۱) نتایج بخش مهمی از این مطالعات ارائه شده است.

جدول شماره (۱) خلاصه نتایج مطالعات انجام شده

نام نویسندگان	سال	نتایج
هندی زاده و همکاران	۱۳۹۷	رشد بخش صنعت و خدمات (فعالیت غیر کشاورزی) با ایجاد شغل دوم برای برخی از روستاییان منجر به ناعادلانه شدن توزیع درآمد روستایی می شود.
ابونوری و فراهتی	۱۳۹۵	انتقال سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی به هریک از بخش های صنعت و معدن، خدمات و یا نفت، نابرابری را در کل جامعه افزایش می‌دهد. همچنین یافته های این مطالعه نشان می دهد انتقال سهم هر یک از بخش ها به بخش کشاورزی موجب کاهش نابرابری است که با فرضیه کوزنتس همخوانی دارد.
مهرگان و همکاران	۱۳۸۷	هر چه سهم بخش کشاورزی افزایش یابد ، توزیع درآمد کل جامعه متعادل تر می شود.
سلامی و انصاری	۱۳۸۸	توسعه زیر بخش‌های کشاورزی ضمن افزایش قابل توجه در درآمد خانوارها به ایجاد درآمد برای گروه های کم درآمد و متوسط روستایی منجر شده و به این ترتیب کاهش شکاف درآمد روستایی را موجب می شود.
خالدی و همکاران	۱۳۸۷	هر چند سرمایه گذاری انجام شده در بخش کشاورزی، رشد اقتصادی بخش را به همراه داشته است، اما میزان و توزیع منافع حاصل از این رشد در سطحی نبوده است که فقر روستایی را متأثر سازد.
خالدی‌و صدرالاشرفی	۱۳۸۴	رشد بخش کشاورزی موجب کاهش نابرابری درآمد در مناطق روستایی است.
پرمه و دباغ	۱۳۸۲	توسعه بخش کشاورزی موجب کاهش نابرابری درآمد کل جامعه می‌شود و بخش های معدن ، صنعت و خدمات در رتبه های بعدی قرار دارند.
درویشی	۱۳۷۵	در مناطق شهری، اثر نابرابری در بخش صنعت بر نابرابری کل شهری بیش‌تر از دیگر بخش ها و در مناطق روستایی اثر نابرابری در بخش کشاورزی بر نابرابری کل روستایی بیش تر از دیگر بخش ها بوده است.
ترکمانی و جمالی مقدم	۱۳۸۴	سرمایه گذاری در توسعه و عمران روستایی، جاده سازی، تحقیق و ترویج کشاورزی و آبیاری به ترتیب دارای بیش ترین تأثیر بر کاهش فقر روستایی هستند.
کرمی و همکاران	۱۳۷۹	به دلیل محدودیت های نهادی، جهت گیری سازمان های دست اندر کار در عمل به سوی اعضای غنی‌تر نظام اجتماعی است. این روند، در عمل باعث شده که مکانیزه نمودن بخش کشاورزی منجر به افزایش شکاف اجتماعی میان کشاورزان شده است .

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-27]

ادامه جدول شماره(۱) خلاصه نتایج مطالعات انجام شده

نام نویسندگان	سال	نتایج
وارلیومندوزا[1]	۲۰۱۷	رشد توام با توزیع عادلانه درآمد زمانی حاصل می شود که مناطق دورافتاده و محروم نیز به امکانات زیر بنایی دسترسی داشته باشند.
دستیدار[2]	۲۰۱۲	انتقال تولید از کشاورزی به خدمات در کشورهای توسعه یافته بر نابرابری تأثیری ندارد، اما در کشورهای در حال توسعه موجب افزایش نابرابری است. این در حالی است که با انتقال تولید از کشاورزی به صنعت نابرابری توزیع درآمد در هیچکدام از کشورها افزایش نمی‌یابد. همچنین در هر دو گروه از کشورها با انتقال تولید از صنعت به خدمات، نابرابری درآمد افزایش می‌یابد.
کایا[3]	۲۰۱۲	انتقال از بخش کشاورزی به بخش خدمات بر نابرابری تأثیر ندارد، اما انتقال از بخش صنعت به بخش خدمات نابرابری را افزایش می دهد. این در حالی است که انتقال از بخش کشاورزی به بخش صنعت و انتقال از بخش خدمات به بخش صنعت منجر به کاهش نابرابری درآمد شده است. همچنین نابرابری ناشی از توسعه بخش کشاورزی در مقایسه با بخش صنعت بیشتر بوده که با نظریه کوزنتس مبنی بر پایین بودن نابرابری در بخش کشاورزی در مقایسه با بخش بخش های غیرکشاورزی در تناقض است.
فیلشر ،لی و زاهو[4]	۲۰۱۰	سرمایه گذاری در زیر ساخت های ارتباطات برای مناطق محروم موجب بهبود رشد اقتصادی و کاهش نابرابری می‌گردد. همچنین سرمایه گذاری در زیر ساخت های ارتباطات برای مناطق توسعه یافته موجب تشدید نابرابری می شود.
زیالو[5]	۲۰۰۶	تسهیلات حمل و نقل و زیر ساخت‌های مرتبط با ارتباطات از طریق ایجاد فرصت های شغلی برای مناطق محروم کاهش نابرابری در درآمد ها را سبب می شود.
کالدرون و سرون[6]	۲۰۰۳	بهبود در خدمات زیر بنایی نابرابری را در آمریکای لاتین کاهش داده و به بهبود رشد اقتصادی کمک نموده است.
فان و همکاران[7]	۲۰۰۲	افزایش اعتبارات دولتی و ارتقاء فعالیت های تحقیق و توسعه کشاورزی ،آبیاری، آموزش روستایی و زیر بناها(جاده ، برق و ارتباطلات) نه تنها باعث افزیش رشد تولید کشاورزی شده است، بلکه فقر روستایی و نابرابری منطقه ای را نیز کاهش داده است.
راولیان و دات[8]	۲۰۰۲	عملکرد بالای کشاورزی، هزینه های توسعه ایالتی بیشتر، تولید غیر کشاورزی بالاتر و نرخ تورم پایین‌تر باعث کاهش فقر شده است. لیکن بخش غیر کشاورزی، موجب کاهش قابل ملاحظه‌ای در شاخص های فقر در برخی از ایالت نسبت به دیگر ایالت‌ها شده است.

مطابق جدول(۱) اکثر مطالعات انجام شده به تأثیر نحوه تخصیص منابع بین بخش های اقتصادی بر توزیع درآمد کل کشور پرداخته‌اند و مطالعه ای که رابطه بین تخصیص منابع بین بخش ها و توزیع درآمد روستایی را مورد توجه قرار دهد، انجام نشده است. این درحالی است که براساس نتایج برخی بررسی ها، رشد بخش

[1] Valerio Mendoza
[2] Dastidar
[3] Kahya
[4] Fleisher, Li, and Zhao
[5] Xiaolu
[6] Calderon and Serven
[7] *Fan & et al*
[8] Ravalion and Datt

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-27]

کشاورزی در بهبود توزیع درآمد کل و همچنین در ایجاد تعادل های اقتصادی و اجتماعی کشور نقش مهمی دارد. از اینرو در این مطالعه رابطه نحوه تخصیص منابع بین بخش های مختلف اقتصادی و توزیع درآمد روستایی مد نظر قرار گرفت. همچنین بخش مهمی از مطالعات جدید در بررسی رابطه بین رشد و توزیع درآمد، به برخورداری مناطق از امکانات تأکید نمودند، اما در مطالعات انجام شده بین نحوه تخصیص منابع و توزیع درآمد این مهم لحاظ نشده است. بنابراین در این مطالعه رابطه نحوه تخصیص منابع بین بخش های مختلف اقتصادی و توزیع درآمد روستایی به تفکیک استانهای کشور و با تأکید بر برخورداری مناطق روستایی استان‌ها از امکانات مورد بررسی قرار گرفت.

۳) روش تحقیق

در این قسمت به منظور بررسی رابطه بین تخصیص منابع بین بخشهای مختلف و توزیع درآمد روستائیان، ابتدا الگوی مناسب معرفی و سپس با بررسی طبقه بندی استان های کشور، الگوی مذکور شده به تفکیک استان های محروم، نیمه برخوردار و برخوردار از امکانات زیربنایی و تسهیلات رفاهی برای دوره (۱۳۹۴-۱۳۸۶) مورد بررسی قرار می گیرد.

با عنایت به اینکه هر اقتصادی از سه بخش اصلی کشاورزی، صنعت و خدمات تشکیل شده است. به منظور بررسی تأثیر تغییر ساختار تولید در ایران بر نابرابری درآمد روستایی به پیروی از دستیدار (۲۰۰۴ و۲۰۱۲) و همچنین کایا(۲۰۱۲)، نابرابری درآمد روستایی تابعی از سهم بخش های اقتصادی مذکور مد نظر قرار می گیرد. براین اساس می توان نوشت:

$$Gr = f(sha, shi, shs) \qquad (۱)$$

در معادله (۱)، Gr ،sha ، shi و shs به ترتیب به ضریب جینی روستایی، سهم‌های بخش کشاورزی، صنعت و خدمات از تولیدناخالص داخلی است. هر باز ضریب جینی را می توان به یکی از صورت های زیر نوشت:

$$Gr = F((100 - sha - shi), sha, ahi)$$
$$Gr = F((100 - sha - shs), sha, ahs)$$
$$Gr = F((100 - shi - shs), shi, ahs)$$

با در نظر گرفتن روابط خطی بین متغیرها، معادلات فوق را می توان به صورت زیر تصریح نمود.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-27]

$$Gr = \alpha_1 + \alpha_{12} sha + \alpha_{13}\, shi + v_1 \quad (۲)$$

$$Gr = \alpha_2 + \alpha_{22} sha + \alpha_{23}\, shs + v_2 \quad (۳)$$

$$Gr = \alpha_3 + \alpha_{32} shi + \alpha_{33}\, shs + v_3 \quad (۴)$$

هر یک از معادلات فوق شامل سهم ارزش افزوده دو بخش از سه بخش اقتصاد است. با عنایت به اینکه مجموع سهم سه بخش از اقتصاد برابر ۱۰۰ است. سهم بخش غایب در اقتصاد به عنوان سهم باقیمانده تلقی خواهد شد. براین اساس ضرایب سهم هر بخش در معادله که معادل تغییر در سهم بخش غایب است، به صورت تغییر نابرابری درآمد در اقتصاد قابل تفسیر است. به عنوان نمونه در معادله اول اگز $\frac{\partial Gr}{\partial sha} < 0$ باشد، نشان می‌دهد که با کاهش سهم یک درصدی بخش خدمات ، به فرض ثابت ماندن سهم سایر بخشها، سهم بخش کشاورزی یک درصد افزایش می یابد که این موجب کاهش نابرابری در توزیع درآمد به مقدار $\frac{\partial Gr}{\partial sha}$ می شود.

سنجش سطح توسعه مناطق و تقسیم‌بندی استان‌های کشور به مناطق محروم و برخوردار در بسیاری از مطالعات توسط برخی سازمان‌ها و محققین براساس روشها و شاخص های مختلف صورت گرفته است. که از میان آنها می توان به ربردست(۱۳۸۲)، قدیری معصوم و حبیبی(۱۳۸۳)، رضوانی و صحنه(۱۳۸۴)، بدری و اکبریان (۱۳۸۵) و شیخ بگلو(۱۳۹۰) و پور طاهری و همکاران(۱۳۹۳) اشاره نمود که در این میان طبقه بندی استانهای کشور در مطالعه شیخ بگلو، به دلیل جامعیت آن در بسیاری از ابعاد از جمله تکنیک های مورد استفاده، همه جانبه بودن شاخص‌های مورد استفاده و مهم تر از همه تأکید آن بر بخش کشاورزی، زیر بناها، امکانات آموزشی و بهداشتی استان در این مطالعه ملاک عمل قرار گرفت. مولف در این طبقه‌بندی از ۴۰ شاخص در ابعاد مختلف استفاد نموده است.

جدول شماره(۲) رتبه بندی استان های کشور

نام استان	رتبه	نام استان	رتبه	نام استان	رتبه
سمنان	۱	خراسان رضوی	۱۱	کرمانشاه	۲۱
تهران	۲	آذربایجان شرقی	۱۲	کردستان	۲۲
مازندران	۳	گلستان	۱۳	خراسان جنوبی	۲۳
اصفهان	۴	چهارمحال بختیاری	۱۴	لرستان	۲۴
یزد	۵	همدان	۱۵	خوزستان	۲۵
فارس	۶	بوشهر	۱۶	کرمان	۲۶
قم	۷	اردبیل	۱۷	ایلام	۲۷
گیلان	۸	زنجان	۱۸	خراسان شمالی	۲۸
قزوین	۹	کهکیلویه و بویراحمد	۱۹	هرمزگان	۲۹
مرکزی	۱۰	آذربایجان غربی	۲۰	سیستان بلوچستان	۳۰

منبع: شیخ بگلو،۱۳۹۲

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-27]

سنجش سطح توسعه استان ها در مطالعه شیخ بگلو با استفاده از روش های مختلف از جمله تاکسونومی، رویکرد ایده آل تاپسیس، شاخص درجه توسعه موریس و روش شاخص بندی صورت گرفته که در نهایت مولف ترکیبی از نتایج حاصل از شیوه های مختلف را تلفیق می نماید و شاخص نهایی را ارائه می نماید. در این مطالعه شاخص نهایی مطالعه شیخ بگلو که در جدول(۲) ارائه شده، به عنوان ملاک تعیین مناطق محروم و برخوردار قرار گرفت. به این ترتیب ۱۰ استان اول جزو مناطق برخوردار، ۱۰ استان دوم به عنوان مناطق نیمه برخودار و ۱۰ استان آخر به عنوان مناطق محروم مد نظر قرار گرفتند.

۴) یافته‌های تحقیق

به منظور اجتناب از رگرسیون کاذب لازم است قبل از برآورد الگو، مانایی متغیرها آزمون شوند. آزمون های مانایی داده های تابلویی معمولاً می‌تواند از دو روش آزمون ریشه واحد برای داده های مشترک[1] و آزمون ریشه واحد برای هر مقطع[2] صورت پذیرد. در این خصوص لوین، لین و چو[3](۲۰۰۲) نشان دادند که در داده‌های تابلویی، استفاده از آزمون ریشه واحد برای داده های مشترک، دارای قدرت بیش تری نسبت به استفاده از آزمون ریشه واحد برای هر مقطع به صورت جداگانه می‌باشد (بالتاجی، ۲۰۰۵). بنابراین در این مطالعه برای بررسی مانایی متغیرها، از آزمون لوین، لین و چو استفاده گردید. نتایج آزمون مانایی در جدول (۳) براساس آزمون لوین، لین و چو ارائه شده است همانطور که نتایج نشان می دهد همه متغیر ها در سطح مانا هستند.

جدول شماره(۳) آزمون مانایی متغیر ها

نام متغیر ها	آماره T	prob T	نتیجه
ضریب جینی روستایی	-۱۸		مانا
سهم بخش کشاورزی از تولید	-۴/۷	۰۰۰	مانا
سهم بخش صنعت از تولید	-۱۰	۰۰۰	مانا
سهم بخش خدمات از تولید	-۱۰/۴	۰۰۰۰	مانا

منبع : یافته های تحقیق،۱۳۹۷

۴-۱) بررسی اثرات ثابت و تصادفی

به منظور مشخص نمودن رویکرد اثرات ثابت یا تصادفی در داده های پانلی از آزمون f لیمر، هاسمن و بروش پاکان استفاده می شود. در جدول(۴) آزمون های مذکور صورت گرفته است که نتایج آن بر استفاده از اثرات ثابت دلالت دارد. با عنایت به قطعی بودن اثرات ثابت، نیازی به آزمون بروش پاکان نیست.

[1] Common Root
[2] Individual Root
[3] Levin, Lin & Cho

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-27]

جدول شماره (۴) آزمون های f لیمر و هاسمن

لیمر و هاسمنfآزمون	الگوی (۲)	الگوی (۳)	الگوی (۴)
آماره F	۶/۶	۶/۶	۶/۶
Prob F	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
آماره Chi^2	۱۸	۱۸	۱۸
Prob Chi^2	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱

منبع : یافته های تحقیق،۱۳۹۷

۲-۴) آزمون خود همبستگی و ناهمسانی واریانس

برای بررسی خودهمبستگی در داده‌های تابلویی، وولدریج[1](۲۰۰۲) آزمون‌خودهمبستگی ساده‌ای را در مورد داده های پانل پیشنهاد می کند که در آن جملات اختلال از فرایند (AR_1) تبعیت می کنند. فرضیه صفر در آزمون وولدریج، عدم وجود خودهمبستگی مرتبه اول در جملات اخلال مدل رگرسیون می باشد که در صورت رد فرضیه صفر، مدل تخمین زده شده دارای خودهمبستگی مرتبه اول خواهد بود. از طرف دیگر در صورتی که تعداد واحدهای انفرادی بیشتر از دوره زمانی مورد مطالعه باشد، می‌توان انتظار داشت که اجزای اخلال دارای ناهمسانی واریانس باشد که در این حالت تخمین‌زننده های رگرسیون علیرغم بدون تورش بودن از کارایی پایینی برخوردار خواهند بود. در این مطالعه برای انجام آزمون ناهمسانی واریانس از آماره والد[2] استفاده می شود .

نتایج آزمون ناهمسانی واریانس برای مدل مورد نظر در جدول شماره (۵)، بیانگر آن است که با توجه به مقادیر آماره و ارزش احتمال آن، همسانی واریانس رد شده و ناهمسانی واریانس وجود دارد. همچنین نتایج آزمون خودهمبستگی نشان می دهد که خودهمبستگی وجود دارد.

جدول شماره(۵) آزمون خود همبستگی و ناهمسانی واریانس

الگو	آزمون	آماره آزمون	Prob
الگوی (۱)	ناهمسانی واریانس (chi^2)	۳۸۴	۰/۰۰
	خود همبستگی(F)	۱۶	۰/۰۰
الگوی (۲)	ناهمسانی واریانس (chi^2)	۳۸۴	۰/۰۰
	خود همبستگی(F)	۱۶	۰/۰۰
الگوی (۳)	ناهمسانی واریانس (chi^2)	۳۸۴	۰/۰۰
	خود همبستگی(F)	۱۶	۰/۰۰

منبع : یافته های تحقیق،۱۳۹۷

[1] Wooldridge
[2] Wald Test

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-27]

۳-۴) تحلیل نتایج مدل

باتوجه به اینکه مدل تحقیق دارای ناهمسانی واریانس بوده و خود همبستگی در مدل وجود دارد، بنابراین برای رفع آنها از رویکرد FGLS[1] استفاده می‌شود که در آن طی دو مرحله مجزا نسبت به رفع خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس اقدام می‌شود. براساس توضیحات فوق، الگوهای (۲)،(۳) و(۴) معرفی شده در قسمت قبل با رویکرد FGLS، برآورد و خروجی آن در جدول(۵) به تفکیک مناطق محروم، نیمه برخوردار و برخوردار برای ۳۱ استان کشور طی دوره (۱۳۹۳-۱۳۸۶) ارائه شده است. براساس توضیحاتی که در قسمت های قبلی بیان شد، ضرایب برآورد شده برای سهم بخش ها در الگو نشان دهنده تأثیر انتقال ارزش افزوده بخش غایب در الگو به سایر بخش ها است. به عنوان مثال در الگوی(۲) برآورد شده برای کل مناطق، ضریب برآورد شده برای سهم بخش کشاورزی (۰/۱۳-) نشان می‌دهد که با انتقال یک درصد از سهم بخش خدمات(بخش غایب در این حالت)به بخش کشاورزی ، نابرابری روستایی به میزان ۰/۱۳ کاهش یافته است.

با عنایت به توضیحات فوق و براساس نتایج الگوی(۲) در جدول(۶)، انتقال ارزش افزوده خدمات به بخش کشاورزی و صنعت موجب کاهش نابرابری درآمد در مناطق روستایی است. همچنین براساس نتایج الگوی(۳)، انتقال ارزش افزوده از بخش صنعت به کشاورزی موجب کاهش نابرابری درآمد در مناطق روستایی و انتقال ارزش افزوده از بخش صنعت به خدمات موجب افزایش نابرابری روستایی است. نتایج الگوی(۴) نیزموید نتایج دو الگوی قبلی بوده و نشان می‌دهد که انتقال ارزش افزوده از بخش کشاورزی به صنعت و خدمات موجب افزایش نابرابری روستایی است. این نتایج نشان می‌دهند که توسعه بخش کشاورزی نسبت به دو بخش خدمات و صنعت و همچنین توسعه بخش صنعت نسبت به بخش خدمات موجب کاهش نابرابری درآمد در مناطق روستایی است که با فرضیه کوزنتس مبنی بر پایین بودن نابرابری در بخش کشاورزی سازگار است.

جدول شماره(۶) نتایج حاصل از برآورد الگوی (۲)،(۳) و(۴) به تفکیک مناطق محروم و برخوردار

ردیف	نام متغیر	کل مناطق	برخوردار	نیمه برخوردار	محروم
الگوی(۲)	عرض از مبداء	۰/۳۷	۰/۳۶	۰/۴	۰/۳۴
	سهم بخش کشاورزی	-۰/۱۳*	-۰/۰۸	-۰/۲۵*	-۰/۰۵
	سهم بخش صنعت	-۰/۰۵*	-۰/۰۰۷	-/۱۱*	-۰/۰۳
الگوی(۳)	عرض از مبداء	۰/۳۲	۰/۳۵	۰/۳	۰/۳۱
	سهم بخش کشاورزی	-۰/۰۸*	-۰/۰۷۴	-۰/۱۴*	۰/۰۲۴
	سهم بخش خدمات	۰/۰۵*	۰/۰۰۷	۰/۱۱*	۰/۰۳
الگوی(۴)	عرض از مبداء	۰/۲۴	۰/۲۷	۰/۱۵	۰/۲۹
	سهم بخش صنعت	۰/۰۸*	۰/۰۷۴	۰/۱۴*	۰/۰۲۴
	سهم بخش خدمات	۰/۱۳*	۰/۰۸	۰/۲۵*	۰/۰۵

منبع : یافته های تحقیق،۱۳۹۷ *معنی داری ضریب برآورد شده در سطح ۵ درصد

[1] Feasible Generalized Least Squares

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-27]

نتایج فوق در حالی برای کل مناطق صادق است که بررسی خروجی الگوها به تفکیک مناطق محروم، نیمه برخودار و برخوردار نشان می دهد نتایج مذکور در هر سه الگو فقط برای مناطق نیمه برخودار معنی‌دار است و در سایر مناطق(مناطق محروم و برخودار) معنی‌دار نیست. البته علامت ضرایب برآورد شده برای مناطق محروم و برخوردار در هر سه الگو هم جهت با ضرایب برآورد شده الگوها برای کل مناطق است. همچنین اندازه ضرایب در مناطق نیمه برخوردار بیشتر از مناطق برخوردار و آنهم بیشتر از مناطق محروم است.

به منظور بررسی بیشتر، نتایج فوق به دو بخش تقسیم می شود. بخش اول نتایج در خصوص مقایسه بین مناطق محروم و نیمه برخوردار است که نشان می‌دهد در مناطق محروم توسعه بخش کشاورزی نسبت به دو بخش دیگر در کاهش نابرابری درآمد روستایی موثر نیست و در مقابل توسعه بخش کشاورزی در مناطق نیمه برخوردار موجب کاهش نابرابری است، این نتایج با یافته‌های بررسی‌های کالدرون و چانگ (۲۰۰۴)، استیچ، فاستر و وودن (۲۰۰۲) لویس و کالدرون و سرون (۲۰۰۳)، ،لوپز (۲۰۰۳) که بیان می کنند با توسعه زیر بناها، رشد اقتصادی با توزیع درآمد متعادل همراه می شود، سازگار است. به این معنی که با حرکت از مناطق محروم به مناطق نیمه برخوردار، توسعه بخش کشاورزی با کاهش نابرابری روستایی همراه است. به عبارتی افزایش سهم بخش کشاورزی در مناطق محروم در صورتی که همراه با افزایش برخورداری مناطق مذکور از امکانات باشد، به کاهش نابرابری روستایی منجر می شود،

اما بخش دوم نتایج مربوط به مناطق نیمه برخوردار و برخوردار است که نشان می‌دهد توسعه بخش کشاورزی در مناطق نیمه برخوردار موجب کاهش نابرابری و در مناطق برخوردار بر کاهش نابرابری تأثیر ندارد. این بخش از نتایج با یافته‌های کالدرون و چانگ (۲۰۰۴)، استیچ، فاستر و وودن (۲۰۰۲) لویس و کالدرون و سرون (۲۰۰۳)، لوپز (۲۰۰۳) همخوانی ندارد. در واقع بخش دوم نتایج که حرکت از مناطق نیمه برخوردار به سمت مناطق برخوردار است، حاکی از آن است که با افزایش برخورداری مناطق نیمه برخوردار از امکانات، تأثیر توسعه بخش کشاورزی بر نابرابری روستایی کاهش می یابد و این نتیجه با فرضیه کوزنتس که بیان می کند در جوامع سنتی درآمد حاصل از تولید، به صورت برابر توزیع می‌شود، همخوانی دارد.

۵) نتیجه‌گیری

با عنایت به اهمیت توزیع مناسب درآمد در بخش روستایی کشور و تخصیص منابع در رشد اقتصادی، در این مطالعه رابطه تخصیص منابع بین بخش های اصلی اقتصاد (کشاورزی، صنعت و خدمات) و توزیع درآمد روستایی در ایران به تفکیک استان های محروم و برخوردار از امکانات کشور طی دوره (۱۳۹۳-۱۳۸۶) در قالب داده‌های پانلی مورد بررسی قرار گرفت. در انجام این بررسی نابرابری درآمد روستایی به صورت تابعی از سهم بخش‌های اقتصادی در قالب الگوی کمی به پیروی از دستیدار(۲۰۰۴ و۲۰۱۲) و همچنین کایا(۲۰۱۲)،

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-27]

مد نظر قرار گرفت. نتایج حاصل از برآورد الگو در مناطق محروم و برخوردار نشان داد که اثر تغییر سهم بخش ها از تولید بر نابرابری روستایی معنی دار نیست، اما نتایج الگو برای مناطق نیمه برخوردار حاکی از آن بود که انتقال ارزش افزوده خدمات به بخش کشاورزی و صنعت و همچنین انتقال ارزش افزوده از بخش صنعت به کشاورزی موجب کاهش نابرابری روستایی است. علاوه بر این انتقال ارزش افزوده از بخش صنعت به خدمات و انتقال ارزش افزوده از بخش کشاورزی به صنعت و خدمات موجب افزایش نابرابری روستایی است. این نتایج نشان می‌دهد که توسعه بخش کشاورزی نسبت به دو بخش خدمات و صنعت و همچنین توسعه بخش صنعت نسبت به بخش خدمات موجب کاهش نابرابری روستایی است که با فرضیه کوزنتس مبنی بر پایین بودن نابرابری در بخش کشاورزی سازگار است.

نتایج فوق حکایت از آن داشت که با حرکت از مناطق محروم به مناطق نیمه برخوردار، افزایش سهم بخش کشاورزی منجر به کاهش نابرابری درآمد روستایی می‌شود. اما با حرکت از مناطق نیمه برخوردار به سمت مناطق برخوردار، افزایش سهم بخش کشاورزی با کاهش نابرابری روستایی همراه نیست. به عبارتی بخش اول نتایج(حرکت از مناطق محروم به مناطق نیمه برخوردار) سازگار با مطالعاتی است که بیان می‌کنند با توسعه زیر بناها، رشد اقتصادی با توزیع درآمد متعادل همراه می‌شود و بخش دوم نتایج (حرکت از مناطق نیمه برخوردار به سمت مناطق برخوردار) با فرضیه کوزنتس همخوانی دارد.

براساس نتایج فوق، به منظور کاهش نابرابری روستایی در مناطق محروم لازم است افزایش سهم بخش کشاورزی از تولید، همزمان با افزایش برخورداری مناطق مذکور از امکانات زیر بنایی مورد توجه قرار گیرد تا با قرارگرفتن مناطق محروم در سطح مناطق نیمه برخوردار، رشد مناطق مذکور و بهبود توزیع درآمد روستایی به صورت همزمان حاصل شود. این در حالی است که براساس نتایج مطالعاتی که در قسمت ادبیات موضوع به آنها اشاره شد و از آن جمله می‌توان به وارلیومندوزا(۲۰۱۷) اشاره نمود، برخورداری مناطق محروم از امکانات موجب رشد اقتصادی است و توسعه بخش کشاورزی به این صورت براساس مطالعات مذکور و سایر مطالعات از جمله بررسی های صورت گرفته توسط پرمه و دباغ(۱۳۸۲) ، مهرگان و همکاران(۱۳۸۷)، ابونوری و فراحتی(۱۳۹۵) موجب بهبود توزیع درآمد کل جامعه است. براین اساس تجهیز مناطق محروم به امکانات زیر بنایی و توجه به افزایش سهم بخش کشاورزی در مناطق محروم و نیمه برخوردار موجب رشد اقتصادی بخش کشاورزی و بهبود توزیع درآمد روستایی است که منجر به تحقق همزمان دو هدف رشد و بهبود توزیع درآمد در کل جامعه شده و انتظار می رود کاهش فقر را در مناطق محروم و نیمه بر خوردار به دنبال داشته باشد.

در نهایت نتایج مطالعه در خصوص مناطق برخوردار نشان داد که افزایش سهم بخش کشاورزی، کارایی لازم را به منظور کاهش نابرابری روستایی در ساختارهای فعلی ندارد. به عبارتی تأکید بر توسعه بخش کشاورزی هرچند براساس مطالعات صورت گرفته توسط پرمه و دباغ(۱۳۸۲)، مهرگان و همکاران(۱۳۸۷)،

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-27]

ابونوری و فراحتی(۱۳۹۵) موجب بهبود توزیع درآمد کل جامعه است، اما براساس نتایج مطالعه حاضر تأکید بر توسعه بخش کشاورزی مناطق برخوردار بر نابرابری روستایی که عمده اقشار کم درآمد جامعه را در خود جای داده است، موثر نیست و از این رو لازم است قواعد و نهادهایی که در این مناطق بر توزیع درآمد روستایی و کل جامعه موثر هستند، تحلیل و مورد بازبینی قرار گیرند.

۶) منابع

- ابونوری، اسمعیل و محبوبه فراهتی (۱۳۹۴)، **ساختار تولید و توزیع درآمد در ایران**، فصلنامه مدلسازی اقتصادی، سال ۹، شماره۳۲ ،۴-۱
- بدری، سیدعلی و سعیدرضا اکبریان رونیزی (۱۳۸۵)، **مطالعه تطبیقی کاربرد روش ها سنجش توسعه یافتگی در مطالعات ناحیه ای مورد: شهرستان اسفراین**، مجله جغرافیا و توسعه،سال۴،شماره۷، صص ۲۲ -۵
- پور طاهری،مهدی ، ناهید محمدی و عبدالرضا رکن الدین افتخاری(۱۳۹۳)، **ارزیابی و سنجش محرومیت در سطح مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان جوانرود**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۳، شماره ۳،صص ۴۰-۱۷
- پرمه،زورار و رحیم دباغ. (۱۳۸۲)، **بررسی توزیع درآمد در ایران با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی**، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲۷ ، صص ۱۶۷-۱۳۹
- ترکمانی، جواد و الهام جمالی مقدم (۱۳۸۴)، **اثرات مخارج عمرانی دولت بر فقر زادایی در مناطق روستایی ایران**، پژوهش های اقتصادی ایران، سال ۷، شماره ۲۵ ، صص ۱۵۳ -۱۷۴
- سلامی، حبیب ا.. و وحیده انصاری (۱۳۸۸)،**نقش بخش کشاورزی در ایجاداشتغال و توزیع درآمد :روش تحلیل ساختاری مسیر**،مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، شماره۴۰، صص ۱-۲۰
- خالدی، کوهسار و سید مهیار صدرالاشرفی (۱۳۸۴)، **بررسی رابطه متقابل رشد بخش کشاورزی و توزیع درآمد در مناطق روستایی ایران**، تحقیقات اقتصادی،سال ۱۱،شماره۲، صص ۳۹-۲۵
- خالدی، کوهسار، سعید یزدانی و اندیشه حقیقت نژاد شیرازی (۱۳۸۷)، **مطالعه فقر روستایی ایران و تعیین عوامل موثر بر آن با تأکید بر سرمایه گذاری بخش کشاورزی**، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، سال۱۱، شماره ۳۵ ،صص۲۲۸ -۲۰۵
- درویشی،عیسی(۱۳۷۵) ، **بررسی و تحلیل اثر نابرابری اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
- رضوانی، محمدرضا و بهمن صحنه (۱۳۸۴)، **سنجش سطوح توسعه یافتگی نواحی روستایی با استفاده از روش منطق فازی**، فصلنامه روستا و توسعه، شماره۸ ، صص ۳۲-۱
- شیخ بیگلو، رعنا(۱۳۹۰)، **شناسایی مناطق محروم ایران با استفاده از رتبه بندی ترکیبی**،مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال ۲،شماره۷، صص ۷۰-۵۳

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-27]

- قدیری معصوم، مجتبی و کیومرث حبیبی (۱۳۸۳)، **سنجش و تحلیل سطوح توسعه یافتگی شهرها و شهرستانهای استان گلستان**، نامه علوم اجتماعی ، شماره۲۳، صص ۱۷۰-۱۴۷
- کرمی، عزت اله ، علی ناصرآبادی و رضا مقدم(۱۳۷۹)، **پیامد های نشر فن آوری بارانی بر نابرابری و فقر روستایی**، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۸، شماره۳۱ ، صص۱۶۳ -۱۸۶
- مومنی، فرشاد ، سارا دشتبانی و علی اصغر بانویی (۱۳۹۶)، **اهمیت بخش کشاورزی در حفظ تعادل های اقتصادی – اجتماعی ساختار شهری و روستایی ایران**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۶، شماره ۴،صص ۴۶-۱۷
- مهرگان، نادر، میثم موسایی و رضا کیهانی حکمت(۱۳۸۷)، **رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران**، فصلنامۀ علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸ ، صص۷۷-۵۷
- هندی زاده ، هنگامه ، علیرضا کرباسی و سید حسین محمد زاده(۱۳۹۷)، **تحلیل فضایی عوامل اثر گذار بر فقر روستایی و ارتباط آن با تخریب محیط زیست : موردی شهرستان قائنات** ،فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۷، شماره۱، صص۱۴۸-۱۳۱
- Agenor, Pierre-Richard and Blanca Moreno-Dodson.(2006). **Public Infrastructure and Growth: New Channels and Policy Implications**. World Bank Policy Research Working Paper 4064
- Aghion, P., Caroli, E. & Garcia-Penalosa, C.(1999), **Inequality and Economic Growth**; **The Perspective of the New Growth Theories**. Journal of Economic Literature , 37(4),1615-1660
- Ahluwalia, MS.(1976).**Inequality, Poverty and Development**. *Journal of Development Economics*, 6, 307-342.
- Alesina, A., Perotti, R.(1996), **Income Distribution, Political Instability**, and Investment.European Economic Review, 40, 1202-1229
- Anand, S. and R. Kanbur (1993), **The Kuznets Process and the Inequality-Development Relationship**, *Journal of Development Economics*, 40, 25-52.
- Baltagi, B. H.(2005**),** ***Econometric Analysis of Panel Data***, Third Edition, New York, John Wiley and Sons.
- Calderon, C. and Serven, L.(2003), Macroeconomic Dimensions of Infrastructure in Latin America, Presented at the Fourth Annual Stanford Conference on Latin American Economic Development
- Calderón, C. and Chong, A., (2004), **Volume and Quality of Infrastructure and the Distribution of Income: An Empirical Investigation**, Review of Income and Wealth, 50, 87-105.
- Dastidar, A. Gh. (2012).**Income distribution and structural transformation: Empirical evidence from developed and developing countries**. Seoul Journal of Economics, 25(1), 25-56.
- Estache, A., Foster, V. and Wodon, Q. (2002),**Accounting for Poverty in Infrastructure Reform: Learning from Latin America's Experience**., WBI Development Studies,Washington, DC: The World Bank.
- Fan,S., Zhang,L.and Zhang,X.(2002),**Growth, Inequality and Poverty in Rural China**,WWW.IFPRI.Org

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-27]

- Fleisher, B., H. Li, and M. Q. Zhao(2010), **Human Capital, Economic Growth, and Regional Inequality in China**, Journal of Development Economics, 92: 215–231, doi:doi:10.1016/j.jdeveco.2009.01.010
- Gannon, C. and Liu, Z.(1997), **Poverty and Transpor**t, Washington, DC: The World Bank, Mimeo.
- Galor,O. and Zeira,J(1993), Income Distribution and Macroeconomics , The Review of Economic Studies,, 60(1), 35-52
- Jacoby, H., (2000), **Access to Rural Markets and the Benefits of Rural Roads**, the Economic Journal, 110, 713-37
- Kahya, M.(2012), **Structural Change, income distribution and poverty in asean-4 countries**. School of Economics and Management, LUND University
- Kuznets, S. (1955), **Economic growth and income inequality**, *American Review*, 45(1): 1-28.
- López, H.(2003), **Macroeconomics and Inequality**, The World Bank Research Workshop, Macroeconomic Challenges in Low Income Countries, October
- Murphy, K. M., Shleifer, A. & Vishny, R. W. (1989), **Income Distribution, Market Size and Industrialization**, Quarterly Journal of Economics, 104, 537–564
- Myrdal, K. G.(1973), **Equity, Growth and Social Justice**, World Development.
- Persson,T. and Tabellini,G.(1994), **Is Inequality Harmful for Growth**, American Economic Review,84,601-621
- Ram,R.(1988), **Economic Development and Income Inequlity: Further Evidence on the U curve Hypothesis**, Word development ,16(11),1371-1375
- Ravallion, M and Datt, G (2002), **Why Has Economic Growth Been More Pro-Poor in Some of India than Others?**, Journal of Development Economics, 68, 381-400
- Todaro, M. P. (1997), **Population Growth and Economic Development: Causes, Consequences, and Controversies. In M.P.Todaro (Ed.)**, Reflections on Economic Development: The selected essays of Michael P. Todaro. Aldershot, Hants, Edward Elgar
- ValerioMendoza,C.M.(2017), Infrastructure Development, Income Inequality and Sustainability The People's Republic of China, ADBI Working Paper Series,No.713
- Xiaolu, W. (2006), **Income Inequality in China and its Influencing Factors. Research Pape**r. UNU-WIDER No. 2006/126. ISBN 9291909106.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-27]